

بررسی تطبیقی میزان ارتباط سوره عادیات با امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع فریقین*

[طاهره سادات طباطبائی امین / زهره اخوان مقدم / فریبا شهیدی فرز]

چکیده

اسباب نزول سوره عادیات، مصداق واژه عادیات، و نقل تاریخی مربوط به آن، از مسائل اختلافی است که مستقیماً با فهم کلام الهی و نیز فضیلتی از امیرالمؤمنین ارتباط دارد؛ از این رو اهمیت غور و تأمل در آن روشن است. پژوهش حاضر، با مطالعه تحلیلی - تطبیقی و براساس منابع فریقین، پاسخ به این سؤال‌ها را هدف گرفته که اولاً، در مورد مصداق عادیات، کدام نظریه صحیح است؟ ثانیاً، وجه جمع روایات متفاوت و یا متعارض، در اسباب نزول این سوره چیست؟

درباره مصداق واژه عادیات، مفسران چهار احتمال داده‌اند: شترهای حاجیان، اسب‌ها به طور کلی، اسب جنگی و اسب‌ها در یک جهاد ویژه. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظریه چهارم، هم با فضا و سیاق و تفسیر بلاغی - بیانی سوره سازگار است، هم با اصول ادبی و لغت‌شناسی واژه‌های «ضبح» و «قدح»، و هم با روایات اسباب نزول. سوره عادیات، در پی جهاد مسلمانان، به فرماندهی حضرت علی علیه السلام و پیروزی وی در غزوه «ذات السلاسل»، در سال

* تاریخ دریافت مقاله (۹۷/۳/۱۴) تاریخ پذیرش (۹۷/۱۰/۲۰).

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، tabatabaei.amin@gmail.com.

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، dr.zo.akhavan@gmail.com.

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه رفاه تهران، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، Fa.shahidi@yahoo.com.

هشتم هجرت، در مدینه نازل شده است. از آن جا که قبل از نزول سوره، خطر مهمی پیامبر را تهدید می‌کرده و سه نفر از صحابه، نتوانستند به نتیجه لازم در دفع دشمنان برسند، این سوره مکی شمرده شده تا این که برخی حقایق، پنهان بماند. بر این اساس ضرورت دارد همه روایات فریقین، مورد توجه قرار گیرد. در نوشتار پیش رو، روایات اسباب نزول در منابع اهل سنت، به علت اضطراب و تعارض فراوان و عدم هماهنگی با واژه‌ها و فضای سوره، مورد تردید قرار گرفته و کاستی منابع تاریخی آنها، در شرح غزوه ذات السلاسل، تبیین شده است. این نقل‌ها تنها به بخشی از واقعه پرداخته و با حذف بخش مربوط به فرماندهی حضرت علی علیه السلام، آن را به عمرو عاص مرتبط می‌دانند که بخش کوچکی از ماجرای جنگ است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سوره عادیات، مکی و مدنی، ذات السلاسل، اسباب نزول، امام علی علیه السلام، تاریخ اسلام.

مقدمه

در تفسیر آیات قرآن، گام‌های متعددی لازم است تا مفسر به مراد آیات دست یابد. در راستای تفسیر صحیح سوره عادیات، مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی واژه‌ها، مطالعه فضا و اعجاز بیانی سوره، سبب نزول سوره، حوادث تاریخی پیرامون آن و رفع تعارض از روایات موجود، ضروری است. مفسران شیعه و اهل سنت، در همه این مسائل، در سوره عادیات، اختلاف نظرهایی دارند.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی تطبیقی تفاسیر فریقین، در پی پاسخ به سؤال‌های ذیل است:

۱. دیدگاه‌های موجود درباره مصداق واژه «عادیات»، مبتنی بر کدامین ادله عقلی و نقلی است؟

۲. راه حل تعارض روایات اهل سنت، در زمینه اسباب نزول سوره عادیات چیست؟

۳. راه جمع و رفع اختلاف منابع تاریخی فریقین در شرح غزوه ذات السلاسل چیست؟

پس از روشن شدن هدف، لازم است نوآوری پژوهش محرز شود. در جستجویه منظور پیشینه‌شناسی تحقیق، یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مبانی و روش‌ها و فواید کشف فضای نزول سور و تطبیق آن در دو سوره حج و عادیات»^۱ یافت شد؛ چنان‌چه واضح است این موضوع، مبتنی بر سوره عادیات نیست.

نیز چند مقاله با این عناوین موجود است: «بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات (با تأکید بر فضای نزول سوره)»^۲، «تاریخ‌گذاری سوره عادیات»^۳، «واکاوی دیدگاه آلوسی در روایت امام علی (ع)»^۴، «پیرامون سبب نزول سوره "و العادیات"»^۴.

۱. دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۹۱.

۲. فائز، قاسم و همکاران، پژوهشنامه ثقلین، ش ۱، بهار ۱۳۹۴.

۳. جدی، حسین و اقبال، ابراهیم، مطالعات قرآنی، ش ۲۷، پاییز ۱۳۹۵.

۴. خاکپور، حسین، دوفصلنامه قرآن پژوهی حسنا، ش ۳۲، ۱۳۹۶.

در مقاله اول، با تحلیل ناقصی مواجهیم که «مکی بودن سوره» را نتیجه داده است. مقاله دوم با تاریخ‌گذاری به روش علمی، نشان داده است که در مدنی بودن سوره، شکی نیست. پژوهش حاضر، از این مبنا سود برده و در شناخت شأن نزول صحیح، از آن بهره گرفته است. مقاله سوم نیز به نقد دیدگاه آلوسی پرداخته و در پی اثبات سبب نزول صحیح بوده است، ولی رأی نهایی درستی ارائه نداده و همه نظریه‌ها را با مسامحه پذیرفته است.

لازم به ذکر است که منابع تفسیری نیز، به حل اختلاف‌های موجود در تفاسیر فریقین نپرداخته و عموم اهل سنت، به جایگاه ویژه حضرت علی در این سوره و ارتباط ایشان با غزوه ذات السلاسل اشاره نکرده‌اند. هم‌چنین مقالات مرتبط با سوره عادیات، کمتر به مقایسه تفاسیر فریقین در این سوره پرداخته و مهم‌ترین که به مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی واژه «عادیات»، توجه نکرده‌اند.

از آن جا که تفسیر صحیح این سوره، یکی از فضائل امیرالمؤمنین را ثابت می‌کند، و نیز از فهم غلط نسبت به آیاتی از کلام خدا، جلوگیری می‌کند، اهمیت بحث در این موضوع، براهل تحقیق پوشیده نیست. براین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تا اختلاف‌های تفسیری سوره عادیات را حل کند. بدین منظور، براساس تفاسیر و سایر منابع فریقین که این واقعه را گزارش کرده‌اند، به مطالعه واژه‌ها و رفع تعارض روایات اسباب نزول می‌پردازد.

۱- معرفی سوره عادیات و فرازهای آن

سوره عادیات صدمین سوره قرآن، و دارای ۱۱ آیه است که می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد. قبل از شروع مباحث اصلی، مفاهیم سوره ارائه می‌شود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا *
فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا * إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ
لَكَنُودٌ * وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ * وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ * أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ
مَا فِي الْقُبُورِ * وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾^۱

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. سوگند به اسبان دونده، در حالی که نفس زنان به پیش می‌رفتند، و سوگند به افروزدگان جرقهٔ آتش [در برخورد سم‌هایشان با سنگ‌های بیابان]، و سوگند به هجوم‌آوران سپیده‌دم، که گردوغبار به هر سو پراکندند، و [ناگهان] در میان دشمن ظاهر شدند، که انسان در برابر نعمت‌های پروردگارش بسیار ناسپاس و بیخیل است؛ و او خود [نیز] بر این معنی گواه است! و او علاقهٔ شدید به مال دارد! آیا نمی‌داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند، برانگیخته می‌شوند، و آن چه در درون سینه‌هاست، آشکار می‌شود، در آن روز، پروردگارش از آنها کاملاً باخبر است!؟

در یک چشم‌انداز کلی، این سوره به سه بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول: شامل پنج قَسَم متوالی در یک سیاق است که هر قسم، حکایت از یک ویژگی برای دوندگان دارد: سوگند به دوندگانی که صدای نفس‌هایشان شنیده می‌شود؛ از برخورد نعلشان به سنگ‌های زمین، جرقه‌های آتش تولید می‌شود؛ بامدادان هجوم می‌برند؛ گردوخاک به پا می‌کنند، و جمعی را محاصره می‌کنند.

بخش دوم: جواب این سوگنده است که بیانگر ناسپاسی و دل‌بستگی شدید انسان به دنیا است: سوگند به این دوندگانِ میدان جنگ، که انسان ناسپاس است و به نعمت‌های دنیا، سخت دل بسته است.

بخش سوم: شامل سه آیه دربارهٔ عالم پس از مرگ است و سخن از هولناک بودن آن روز دارد. روزی که قبرها زیوروی می‌شود و نهان دل‌های انسان‌ها برملا می‌شود. این سوره، با اعلام آگاهی خداوند از احوال مردم در آن روز هولناک، پایان می‌یابد.

۲- مروری بر فضای سورهٔ عادیات و اعجاز بیانی آن

برخی از محققان اهل سنت، بر اساس یافته‌های بلاغی و بیانی، به مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی واژه‌های این سوره و سیاق آن پرداخته‌اند. این محققان، فضای سوره را با توصیف اسب‌های جهاد، میدان جنگ، محاصرهٔ دشمن و پیروزی جهادگران متناسب می‌دانند. بنت‌الشاطی در تبیین این موضع می‌گوید: اگر ایدهٔ

عظمت مُقسم به را کنار بگذاریم، آشکارا می بینیم که جوّ سوره، هیچ اشاره‌ای به عظمت اسب و فواید اسب سواری و تشویق به مسابقات اسب‌دوانی ندارد؛ بلکه تنها، توصیف صحنه پرهیجان یک هجوم ناگهانی است که بامدادان، دشمن را غافلگیر می‌کند.^۱

وی معتقد است هدف از قسم در قرآن، فراتر از بیان عظمت مُقسم به است و واو قسم، از وضع لغوی خود خارج شده و هرسوگندی، به فراخور فضای سوره و سیاق تفسیری آن، به هدف ارائه نکته بیانی و بلاغی خاصی به کاررفته است؛ مثلاً در سوره ضحی، چون پس از فترت و انقطاع وحی، کافران به پیامبر طعنه زدند که: «خدایت، تورا طرد، و به حال خود رها کرده است»، لذا خداوند این سوره را نازل کرد و در آغاز آن، به ضحی (روز) و به لیل (شب) سوگند یاد کرد. مناسبت بلاغی و بیانی این سوگندها آن است که همان‌گونه که شب و روز مخلوق خداست، نزول پی‌درپی وحی (مثل روز روشن) و انقطاع وحی (مثل شب تاریک) نیز به خواست خداست.^۲

بنت الشاطی با تطبیق نظریه ویژه‌اش درباره قسم‌های قرآنی، تأکید می‌کند که در سوره عادیات، مصداق واژه عادیات، هرگز نمی‌تواند شتر یا حتی اسب معمولی (بدون قید جهاد) باشد. وی در تبیین فضای این سوره و اعجاز بیانی آن می‌گوید: در این سوگندها، سخن از غافلگیر شدن دشمن و محاصره اوست و سوگندهای فراز اول سوره، دقیقاً متناسب با فراز پایانی سوره است، که حکایت از غافلگیر شدن انسان با مرگ و رستاخیز دارد.^۳

۳- مصداق بیانی و تحلیل ادبی واژه عادیات در تفاسیر فریقین

از دیدگاه مفسران فریقین، پنج سوگند فراز اول سوره، دارای وحدت سیاق و وحدت مصداق می‌باشند؛ از این رو فقط واژه عادیات، مفهوم‌شناسی می‌شود. با یافتن

۱. بنت الشاطی، عایشه، التفسیر البیانی، ۱/ ۱۰۳.

۲. همان، ۱/ ۲۴، سوره ضحی.

۳. همان، ۱/ ۱۰۳.

مفهوم و مصداق این واژه، همه الفاظ این سوگندها، تفسیر و تأویل مناسب خود را می‌یابند.

مفهوم و مصداق واژه عادیات، از جمله مسائل اختلافی میان مفسران است. چهار نظریه پیش رو در این باب مطرح شده است: ۱- گروهی، عادیات را شترهای حاجیان در مراسم حج، ۲- گروهی به معنای اسب‌های معمولی، ۳- گروهی به معنای اسب‌های جنگی معهود زمان جاهلیت ۴- و گروهی دیگر آن را اسب‌های رزمندگان در میدان جهاد می‌دانند. در این بخش، هر کدام از این نظریه‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- بررسی دیدگاه اول (شترهای حاجیان) در مصداق واژه عادیات

برخی مفسران با استناد به روایات ضعیفی که در بحث اسباب نزول، مورد نقد (سندی و محتوایی) قرار خواهد گرفت، منظور از عادیات را شترهای حاجیان در مناسک حج دانسته‌اند.^۱ اما این دیدگاه، بر اساس قواعد ادبی و لغت‌شناسی، ضعف‌هایی دارد:

۳-۱-۱- مخالفت مفهوم «ضبح» با شتر، و اختصاص آن به نفس زدن اسب

اگر بگوییم عادیات شترهای دونده هستند، در تفسیر واژه‌های دیگر سوره، از جمله «ضبح»، با مشکل مواجه می‌شویم. ضبح در لغت عرب معمولاً برای نفس زدن اسب (یا کلب و روباه) در حین دویدن به کار می‌رود و برای حیوانات دیگر، کاربرد ندارد.^۲ به عبارت دیگر، مفهوم واژه ضبح، با مصداق شتر، سازگاری ندارد. از این رو مفسران، معنای شتر را برای این واژه، بسیار بعید می‌دانند^۳ و حتی با تردید در

۱. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ۲/ ۱۱۵؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰/ ۱۵۰؛ زرعی، عبدالرحمن، تاریخ اُبی زرعَة، ۱/ ۴۸؛ ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر والتنویر، ۳۰/ ۴۴۰.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۳/ ۱۰۸؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، ۱/ ۳۸۵؛ راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۵۰۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲/ ۵۲۴.

۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۳۰/ ۱۷۶.

صحت روایات ناظر بر معنای شتر، این دیدگاه را منجر به تکلف و استعاره‌انگاری ضبج برای شتر شمرده‌اند.^۱

تفسیر مفاتیح الغیب نیز این معنا را با اصول ادبی و بلاغی مخالف دانسته است:

وذلك لأن الضبج لا يكون إلا للفرس، واستعمال هذا اللفظ في الإبل يكون على سبيل الاستعارة... والعدول من الحقيقة إلى المجاز بغير ضرورة لا يجوز.^۲

چون ضبج، تنها برای اسب به کار می‌رود و کاربرد آن برای شتر، استعاری است... و عدول از حقیقت به مجاز، در غیر ضرورت، جایز نیست.

۳-۱-۲. مخالفت مفهوم «قدح» با دویدن شتر، و اختصاص آن به اسب

از آن جا که شُم شتر نرم است و هنگام پازدن، جرقه ندارد، مفهوم شتر، با «قَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا» تناقض دارد. کلمه «موریات» جمع اسم فاعل از مصدر «ایراء» است، که به معنای برون کردن آتش (از سنگ چخماق) است. کلمه «قدح» به معنای زدن به شدت است و هنگامی که گفته می‌شود: «قدح فأوری»، معنایش این است که سنگ و چخماق را به هم کوبید و جرقه بیرون آورد. مقصود از توصیف اسب‌های دوان (عادیات) به «مُورِيَاتٍ قَدْحًا»، این است که هنگام دویدن این اسب‌ها، از برخورد نعل شان با سنگ‌های زمین، جرقه‌هایی بیرون می‌جهد.^۳

پس بر اساس مفهوم لغت و سیاق آیات، عادیات نمی‌تواند شتر باشد. مفسران نیز برای ردّ معنای شتر، به این تناقض اشاره کرده و گفته‌اند:

قدح و جرقه زدن، در نعل اسب ظاهر می‌شود و در شُم شتر، ظاهر نمی‌شود.^۴

۱. زمخشری، محمود، کشاف، ۴ / ۷۸۸.

۲. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۳۲ / ۲۵۹.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، همان، ۳ / ۴۱؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، همان، ۱ / ۳۸۵؛ راغب اصفهانی، حسین، همان، ص ۵۰۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، همان، ۲ / ۵۲۴.

۴. فخر رازی، محمد بن عمر، همان، ۳۲ / ۲۵۹.

۳-۱-۳- دیدگاه اهل سنت مبنی بر جداکردن دو آیه، و نقد آن

برخی از اهل سنت در دفاع از معنای شتر، به این اشکال‌ها چنین پاسخ داده‌اند: لزومی ندارد که مصداق عادیات و موریات یکی باشد، بلکه برای حل مشکل، می‌توان این دو عبارت را جدای از هم فرض کرد. بنابراین عادیات، شترهای دونده حاجیان است، اما موریات، جماعت حاجیان است که در روز مزدلفه، آتش روشن می‌کنند. این دفاع و توجیه، با اشکال‌هایی مواجه است:

اولاً، این توجیه خلاف ظاهر آیات است. یعنی تبادر حاصل از ظاهر سیاق آیات، این است که عادیات و موریات و مغیرات، یکی هستند. از این رو، مفسران در همه سوگندهای ابتدای سوره عادیات، معنای شتر را خلاف ظاهر می‌دانند.^۱

ثانیاً، صاحب‌نظران، «فاء» در فالموریات را، «فاء» سببیت می‌دانند؛ یعنی «وری و قدح»، به سبب «عدو عادیات» رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، جرقه، به سبب دیدن است.^۲ توضیح آن‌که: در پنج آیه اول سوره، سوگندهای متوالی، با حرف «فاء» به یکدیگر عطف شده‌اند. عطف با «فاء»، متفاوت است با زمانی که قسم‌ها با «واو»، عطف می‌شوند؛ به عنوان مثال در سوره نازعات ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَالسَّاجِدَاتِ سَجًّا﴾^۳ و تین ﴿وَالَّتَيْنِ وَالتَّيْتُونَ * وَطُورِ سِينِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾، به لحاظ ادبی و ظاهری، می‌توان مصداق هر مقسم به را با مقسم به بعدی متمایز دانست؛ چون حرف «واو»، میان آنها فاصله انداخته است؛ اما در عادیات، به دلیل وجود «فاء»، نمی‌توان چنین برداشتی کرد.

بنابراین معنای شتر برای واژه عادیات، با اصول ادبی، نحوی و لغت‌شناسی، هماهنگ نمی‌باشد و مصداق این آیات، هرگز نمی‌تواند بر شتر منطبق شود.

۱. بنت الشاطی، عایشه، التفسیر البیانی، ۱/ ۱۰۴، به نقل از ابن قیم؛ حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان، ۱۸/ ۲۶؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۰/ ۳۴۵.

۲. بنت الشاطی، عایشه، همان، ۱/ ۱۰۶.

۳. نازعات: ۱-۳.

۳-۲. بررسی دیدگاه دوم (اسب به طور کلی) در مصداق واژه عادیات

برخی مفسران اهل سنت، منظور از عادیات را اسب (به طور مطلق و بدون قید جهاد) دانسته‌اند. اینان علت نام‌بردن اسب در این سوره را، به عنوان آفرینشی عظیم و به خاطر تأکید بر فن اسب‌دوانی و فواید آن دانسته‌اند.^۱

این تفسیر نیز تکلف‌آمیز بوده و با عبارت «فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا» و نیز با عبارت «فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا»، در تعارض است؛ چون این دو عبارت، معنایی جز هجوم صبحگاه و محاصره دشمن ندارند. بنابراین، مصداق عادیات، بر اسب معمولی قابل انطباق نیست. سخن بنت الشاطی که در بخش اعجاز‌یابی گذشت، در این باب هم کارساز است.

۳-۳. بررسی دیدگاه سوم (اسب جنگی معهود در زمان جاهلیت) در مصداق واژه عادیات

یک نظریه شاذ و نادر نیز، معنای عادیات را اسب‌های جنگی دانسته و معتقد است که این نوع اسب‌ها، در زمان جاهلیت، شناخته شده بود و جهت منافع جنگی و نظامی، ارزش خاصی داشت.^۲ این دیدگاه نیز پذیرفته نیست؛ زیرا: اولاً، این نظریه، تفاوت زیادی با نظریه دوم ندارد و می‌خواهد با تکلف در اثبات مکی بودن سوره عادیات، معنای اسب جهاد را رد کند. اما مقاله حاضر در مبحث ششم، با استناد به منابع فریقین ثابت می‌کند که سوره عادیات، مدنی است.

ثانیاً، این نظریه به دلیل هم‌نشینی واژه‌هایی همچون قدح و ضبح و سایر قرائن متصل و منفصل، توانسته به بخشی از حقیقت دست یابد و نظریه شترهای حاجیان را رد کند، اما به بخش دیگری از حقیقت (یعنی اسب‌های جهاد خاص)، نرسیده است. نکته قابل توجه این است که خداوند، حیوانات را تمجید نمی‌کند، بلکه انسان‌ها

۱. بنت الشاطی، عایشه، همان، ۱/ ۱۰۵، به نقل از شیخ محمد عبده، به عنوان نظر مردود.

۲. فائز، قاسم و صادقی، عماد، «بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات (با تأکید بر فضای نزول سوره)»، پژوهشنامه ثقلین، ۱/ ۳۹.

را می ستاید. پس اسب جنگی دوران جاهلیت، به خودی خود، جایگاهی ندارد؛ به ویژه که آن زمان، بیشتر جنگ‌ها، به انگیزه‌های نامتعادل و نکوهیده درمی‌گرفت.

۳-۴- بررسی دیدگاه چهارم (اسب‌های جهاد) در مصداق واژه عادیات (نظریه برگزیده)

واژه «عادیات» از ریشه «ع د و» و به معنای دویدن به سرعت، و کلمه «ضبح» به معنای صدایی است که از نفس نفس‌زدن اسبان در حین تنددویدن، شنیده می‌شود.^۱ بنابراین مفهوم عادیات، به تنهایی شامل هردونده‌ای می‌شود؛ اما قرینه متصله «ضبحاً»، دایره مفهومی و مصداقی عادیات را محدود می‌کند. پس مفهوم «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» سوگند به دوندگانی است که به دلیل سریع‌دویدن، صدای خاصی از نفس نفس‌زدنشان، شنیده می‌شود.

اکثر مفسران فریقین گفته‌اند که منظور از عادیات، اسب‌های دلاوران در میدان جهاد است. این نظریه، با سیاق آیات و با روایات اسباب نزول، سازگار است. معهود در لغت و معروف در زبان عربی این است که کلمه «ضبح»، در خصوص اسب یا سگ و روباه، به کار می‌رود.^۲

تفسیر جامع البیان طبری، با اشاره به اختلاف نظرهای موجود در معنای واژه عادیات، معنای اسب‌های جهاد را به هفت طریق و از هفت راوی (ابن عباس، عکرمه، قتاده، مجاهد، عطاء، سعید، ضحاک) آورده، سپس معنای شتر را از یک راوی به نام عبدالله، نقل کرده است. طبری پس از نقل روایات، در جمع‌بندی، با استناد به این‌که معنای لغت ضبح، با اسب دونده سازگار است، چنین تحلیل می‌کند:

واژه ضبح فقط برای کلب و فرس کاربرد دارد و عرب، به صدای نفس

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۳/ ۱۰۸؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، ۱/ ۳۸۵؛ راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۵۰۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲/ ۵۲۴.

۲. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ۲/ ۵۸۱؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۵/ ۴۰؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۰/ ۵۸۸.

شتر، ضبح نمی‌گوید؛ بنابراین چون خداوند، عادیات را با ضبح آورده، فقط معنای اسب‌های جهاد، برای واژه‌ی عادیات صحیح است.^۱

طبرانی نیز کلمه‌ی عادیات را به معنای اسب‌های جهاد دانسته است و ضبح را مختص به صدای نفس زدن اسب در حین دویدن می‌داند. وی این سخن خود را به روایتی مستند می‌کند که سوره‌ی عادیات را ناظر به جنگ بدر می‌داند.^۲ این روایت در بحث اسباب نزول، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تفسیر مفاتیح الغیب نیز واژه‌ی «ضبح» را صدای نفس‌های تند اسب‌ها، در حال دویدن دانسته است و هم‌نشینی این واژه با واژه‌ی عادیات را، نشانه‌ی مفهوم اسب‌های جهاد می‌داند. این تفسیر، درباره‌ی مصداق عادیات، دو قول مطرح می‌کند؛ قول اول یعنی شترهای دونده در مراسم حج را، براساس روایت سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است و قول دوم یعنی اسب‌های دونده در جنگ با قبیله‌ی بنی‌کنانه را، براساس روایت مجاهد، قتاده، ضحاک، عطاء و کلبی از ابن عباس شمرده و آن را نظر اکثر محققان دانسته است؛ نیز مفهوم صحیح واژه‌ی عادیات را این‌گونه، مورد تأکید قرار داده است:

إعلم أن ألفاظ هذه الآيات تنادي أن المراد هو الخيل؛ بدان که واژه‌های سوگندهای ابتدای سوره، فریاد می‌زنند که مقصود از عادیات، اسب است.^۳

هم‌چنین در تفسیر ادامه‌ی آیات آورده است:

عادیات، اسب است، ... موریات، اشاره به جرقه‌هایی است که در حین برخورد نعل اسب‌ها با سنگ‌های زمین، تولید می‌شود؛ ﴿فَأَثَرَنَ بِهِ نَقْعًا﴾، گرد و خاکی است که از دویدن اسب‌ها در میدان جهاد، بر پا می‌شود؛ ﴿فَوَسَّطَنَ بِهِ جَمْعًا﴾، محاصره‌ی دشمن است.^۴

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۳۰ / ۱۷۶.

۲. طبرانی، سلیمان، تفسیر القرآن، ۶ / ۵۴۲.

۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۳۲ / ۲۵۸.

۴. همان؛ سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ۶ / ۳۸۵.

۳-۴-۱- یک اشکال و پاسخ

برخی مفسران عامه که سوره عادیات را مکی شمرده‌اند، معنای اسب‌های جهاد را با مکی بودن سوره ناسازگار می‌دانند؛ چراکه جهاد، در مدینه تشریح شده است و بر این اساس، آنها بر معنای شتر تأکید می‌کنند. پاسخ اشکال مذکور، آن است که:

مکی بودن سوره عادیات، علاوه بر تعارض با روایات شیعه، با روایات اهل سنت که در بحث اسباب نزول خواهد آمد و این سوره را ناظر به جنگ بدر یا سایر جنگ‌های صدر اسلام می‌دانند، تعارض دارد؛ نیز چنانچه گذشت، مدنی بودن سوره عادیات، بر مؤیداتی از سبک و اسلوب و فضای سوره، استوار است.

بنابراین مصداق شتر برای واژه عادیات، با اصول لغت‌شناسی و قواعد ادبی سازگاری ندارد؛ زیرا پنج سوگند ابتدای سوره عادیات، وحدت سیاق دارند و نمی‌توان یکی از سوگندها را جدای از این سیاق فرض کرد. نظریه «اسب بدون قید جهاد» نیز، با قرائن متصل موجود در سیاق، ناسازگار است. تنها مفهوم «اسب جهاد»، با قرائن حالی و مقالی و سیاق سوره، موافق‌تر است.

گذشته از این، باید گفت که مکی بودن سوره، با معنای شترهای حاجیان نیز ناسازگار است؛ زیرا فریضه حج و مناسک آن، در مدینه و پس از هجرت، تشریح شد.^۱

۴- بررسی سبب نزول سوره عادیات در تفاسیر شیعه

نظر مشهور تفاسیر شیعه بر آن است که سوره عادیات، در پی پیروزی حضرت علی علیه السلام و یارانش، در غزوه ذات السلاسل نازل شده است. در این زمینه، ابن عباس روایت مفصلی نقل کرده که عموم مفسران شیعه، آن را آورده‌اند. مضمون روایت چنین است:

در سال هشتم هجرت، به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر رسید که دوازده هزار سوار در سرزمین «یابس» جمع شده و سوگند خورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را به

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۷ / ۲۳۶.

قتل برسانند و مسلمانان را متلاشی کنند. پیغمبر اکرم جمعی از یاران خود را به سرکردگی بعضی از اصحاب، به سراغ آنها فرستاد، ولی بعد از گفتگوهای، بدون نتیجه بازگشتند. سرانجام پیامبر، حضرت علی علیه السلام را با گروه زیادی از مهاجر و انصار، به نبرد آنها اعزام کرد. آنها به سوی منطقه دشمن حرکت کردند؛ شبانه راه می‌رفتند و صبحگاهان دشمن را در حلقه محاصره گرفتند؛ نخست، اسلام را بر آنها عرضه داشتند؛ چون نپذیرفتند، هنوز هوا تاریک بود که به آنها حمله کردند و شکستشان دادند؛ عده‌ای را کشتند و عده‌ای را اسیر کردند و اموال فراوانی به غنیمت گرفتند. سوره «و العادیات» نازل شد، درحالی‌که هنوز سربازان اسلام به مدینه بازنگشته بودند. پیغمبر خدا آن روز برای نماز صبح آمد و این سوره را در نماز تلاوت فرمود؛ بعد از پایان نماز، اصحاب عرض کردند: این سوره‌ای است که ماتا به حال نشنیده بودیم! فرمود: آری، علی بردشمنان پیروز شد و جبرئیل دیشب با آوردن این سوره، به من بشارت داد. چند روز بعد علی علیه السلام با غنائم و اسیران، به مدینه وارد شد.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از فرستادن حضرت علی علیه السلام، ابتدا ابوبکر، سپس عمر، و پس از او عمرو عاص را به فرماندهی ذات السلاسل گماشت. اما اینها یکی پس از دیگری، عقب‌نشینی کرده و با شکست، به مدینه بازگشتند.^۲

برخی مفسران افزوده‌اند:

از این جهت آن جنگ را ذات السلاسل خوانده‌اند که حضرت

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۴۳۸، با جزئیات بیشتر؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۵۹۱-۵۹۲؛ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ۱/ ۱۶۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱۰/ ۵۲۸؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۳/ ۱۴۱؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ۱/ ۲۳۲؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۲۰/ ۳۴۸؛ طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، ۴/ ۲۲۶؛ حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان، ۱۸/ ۲۶۱؛ مکارم شیرازی، ناصر، همان، ۲۷/ ۲۳۹؛ سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ص ۷۷۹-۷۸۴.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، همان، با جزئیات بیشتر؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، همان؛ حسینی، حسین، تفسیر اثنا عشری، ۱۴/ ۳۱۲؛ سبحانی، جعفر، همان.

علی علیه السلام اسیران را با طناب چنان به هم بست، که گویی در سلسله و زنجیرند.^۱

برخی روایات شیعی، جزئیات غزوه ذات السلاسل و فضیلت حضرت علی علیه السلام در این غزوه را با تفصیل بیشتری نقل کرده‌اند^۲ و برخی با تفصیل کمتر^۳ و برخی نیز به اختصار اکتفا کرده‌اند.^۴ در تحلیل این تفاوت نقل، برخی پژوهشگران با وجود پذیرفتن روایت فرات کوفی و شیخ مفید، نسبت به روایت قمی تردید کرده‌اند؛ دلیل آنها ذکر مفصل فضایل حضرت علی علیه السلام در محتوای روایت، و وجود علی بن ابی حمزه بطائنی در سند آن است.^۵

در نقد این نظر باید گفت که هریک از محدثان، به فراخور نوشتار خویش، به نقل مفصل یا مختصر پرداخته‌اند و این امر، خللی به اعتبار روایت مفصل وارد نمی‌کند؛ به ویژه که فضایل مذکور، عاری از غلو بوده و تنها به شرح جزئیات غزوه و چگونگی حمله حضرت علی علیه السلام پس از محاصره دشمن، پرداخته است. هم چنین وجود علی بن ابی حمزه بطائنی در سند روایت تفسیر قمی، به اعتبار روایت خدشه‌ای نمی‌رساند؛ اگرچه به دلیل واقعی بودن وی، برخی رجالیون، در پذیرش احادیثش تردید می‌کنند، اما به دلیل این که انحراف بطائنی در اواخر عمرش بوده و براساس سخن امام حسن عسکری علیه السلام که فرمودند: «آن چه ایشان روایت می‌کنند را بپذیرید، ولی آراء ایشان را وانهدید»،^۶ علما به احادیث وی توجه می‌کنند. عموم حدیث پژوهان نیز روایات بطائنی را، با شرایطی قبول می‌کنند.^۷ براساس این دلائل، جزئیات

۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، همان؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۷ / ۲۳۹؛ سبحانی، جعفر، همان.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، همان.

۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، همان.

۴. مفید، محمد بن محمد، همان.

۵. طیب حسینی، سید محمود، دائرة المعارف قرآنی، مدخل «ذات السلاسل».

۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ۷ / ۵۶، به نقل از: طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۲۳۹.

۷. سلیمی زارع، مصطفی، «روایات علی بن حمزه بطائنی، بین رد و قبول»، علوم قرآن و حدیث،

مذکور در روایت تفسیر قمی، شرایط مقبولیت حدیث را دارد. علاوه بر این، بطائنی، مدت طولانی بر طریق حق بوده و در آن دوران، از روایان امام صادق و کاظم علیهما السلام به شمار می‌رفته، ولی در اواخر عمرش، به کژراهه رفته و امامت امام رضا علیه السلام را منکر شده است. بنا به قرائنی، بیشتر روایات او مربوط به دوره استقامتش بوده است. از این رو می‌توان به روایات او، در صورت احراز شرایطی، اعتماد کرد و آنها را ملاک عمل قرار داد، همان‌طور که عمل مشهور فقیهان و عالمان نیز، همین بوده است.^۱ این روایت، یعنی روایت مفصل موجود در تفسیر منسوب به قمی، علاوه بر این‌که مورد قبول اکثر مفسران شیعه است، محتوای آن نیز تعارضی با تفسیر سوره و مفهوم‌شناسی واژه‌های آن از منظر فریقین ندارد. در بحث مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی عادیات، توضیح مفصل داده شد که اکثر مفسران فریقین، سیاق سوره و واژه‌هایی همچون عادیات، ضبح، موریات، قدح، مغیرات و... را، با مفهوم اسب‌های جهاد، هماهنگ دانسته‌اند.

۵- بررسی چهار نظریه اسباب نزول سوره عادیات در تفاسیر اهل سنت

روایات اسباب نزول سوره عادیات در منابع اهل سنت را، می‌توان در چهار گونه، دسته‌بندی کرد. پژوهش حاضر، تحلیل سندی این روایات را به اهل فن واگذار کرده و به تحلیل محتوای روایات و حل اختلاف و تعارض آنها بسنده می‌کند. مهم‌ترین هماهنگی و نقطه مشترک اغلب این روایات آن است که نزول سوره عادیات را ناظر به جهاد دانسته، اما در تعیین غزوه، اختلاف داشته‌اند. گروه اول روایات، سوره عادیات را ناظر بر جنگ بدر می‌شمارند. گروه دوم، آن غزوه را حمله مسلمانان بر قبيله کنانه، به سرکردگی منذر می‌دانند و گروه سوم، از ذکر نام غزوه خودداری کرده‌اند. در این میان، تنها یکی از آنها، یعنی گروه چهارم روایات، ناظر بر جهاد نیستند و برخلاف گروه اول، حتی جنگ بدر را به شدت نفی کرده‌اند؛ این روایت، سوره عادیات را به فریضه حج ربط داده و «عادیات» را ناظر بر شترهای دونده حاجیان دانسته است.

۱. همان، ص ۱۳۰.

۱-۵- روایات ناظر بر شترهای مراسم حج

بعضی مفسران اهل سنت، با استناد به یک روایت ضعیف، عادیات را به شترهای دوندۀ حاجیان در مزدلفه، تفسیر کرده‌اند. در ادامه، ضمن مرور بر متن روایت، تحلیل و نقد آن ارائه می‌شود.

۱-۵-۱- مروری بر محتوای روایت ناظر بر شترهای حاجیان

تفسیر طبری در سورة عادیات، قبل از هر چیز، واژه عادیات را با مستندات روایی، معناشناسی کرده، سپس روایات گوناگون اسباب نزول را آورده است. یکی از روایات طبری، که منابع بعدی از جمله مستدرک الصحیحین و کشاف نیز آن را نقل کرده‌اند، عبارت است از:

عن ابن عباس: كنت جالساً في الحجر فجاء رجل فسألني عن «العَادِيَاتِ صَبْحاً» ففسرتها بالخيال، فذهب إلى عليّ   و هو تحت سقاية زمزم فسأله وذكر له ما قلت، ... فقال: ادعه لي، فلما وقفت على رأسه قال: تفتي الناس بما لا علم لك به، والله إن كانت لأول غزوة في الإسلام بدر، وما كان معنا إلا فرسان: فرس للزبير وفرس للمقداد. «العَادِيَاتِ صَبْحاً» الإبل من عرفة إلى المزدلفة، و من المزدلفة إلى منى.^۱

ابن عباس می‌گوید: من در کنار سنگ [حجر الأسود] نشسته بودم که مردی آمد درباره «وَالْعَادِيَاتِ صَبْحاً» سؤال کرد. به او گفتم: عادیات، یعنی اسب‌ها و جهادگران مسلمان که در راه خدا می‌تازند. ... آن مرد از پیش من به سوی علی بن ابی طالب   رفت، که کنار چشمه زمزم نشسته بود؛ درباره «وَالْعَادِيَاتِ صَبْحاً» از وی نیز سؤال کرد؛ فرمود: آیا قبل از من از کسی درباره این موضوع سؤال کرده‌ای؟ گفتم: بله ...؛ علی   گفت: برو بگو نزد من بیاید؛ هنگامی که من [ابن عباس] پیش علی   رفتم، گفتم: آیا مردم را به چیزی که بدان علم

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۱۷۹/۳۰؛ نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین،

۱۱۵/۲؛ زمخشری، محمود، کشاف، ۷۸۸/۴.

نداری، فتوا می‌دهی؟ به خدا قسم! اولین غزوه‌ای که در اسلام واقع شد، جنگ بدر بود، در حالی که ما تنها دو اسب داشتیم: اسبی برای زبیر و اسبی برای مقداد؛ [گفتم:] پس معنای «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» چه می‌شود؟ علی رضی الله عنه گفت: منظور، شترها هستند که نفس نفس زنان، از عرفه به سمت مزدلفه و آن‌گاه به منی می‌روند. ابن عباس می‌گوید: من از نظر خود دست کشیدم و با علی رضی الله عنه هم نظر شدم.

۵-۱-۲- نقد روایت ناظر بر شترهای حاجیان

این روایت آن قدر عجیب و غریب است که صاحب نظران اهل سنت، پس از ذکر روایت، به نقد سند و متن آن پرداخته‌اند.

نقد اول: اگرچه حاکم نیشابوری این روایت را صحیح می‌داند، اما دانشمندان اهل سنت در نقد وی گفته‌اند: این حدیث صحیح نیست و تصحیح حاکم، نزد محدثان محکوم است؛ زیرا حاکم، متهم به تساهل است و صحیح دانستن او معتبر نیست؛ مگر این‌که با تعدد طرق، تقویت شود، در حالی که تقویت نشده است.^۱

نقد دوم: در بحث مفهوم‌شناسی گفته شد که به دلیل ناسازگاری لغوی واژه‌هایی چون «قدح» و «ضبح» با مفهوم شتر، و نیز ناهمگونی فضای سوگندها با معنای شتر، مفسران بر این نظریه اشکال وارد کرده‌اند؛ آنها مصداق شتر را برای عادیات، نامناسب شمرده و پذیرش آن را مشروط به استعاره‌گرفتن و خارج کردن «ضبح» از معنای حقیقی خویش، دانسته‌اند.^۲

از نظر نگارندگان نیز، این روایت که در صدد نفی جنگ بدر و طرح نظریه شترهای دونده در مراسم حج می‌باشد، از دو جهت قابل نقد است:

نقد سوم: متن آن، با سه دسته دیگر از روایات اهل سنت، که عادیات را مرتبط به جهاد می‌دانند، در تعارض است.

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی، ۴۴/۱۵.

۲. طبری، محمد بن جریر، همان، ۱۷۶/۳۰؛ زمخسری، محمود، همان، ۷۸۶/۴؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۲۵۹/۳۲.

نقد چهارم: با تفاسیر فراوان فریقین، که سیاق سوگندهای سوره عادیات را توصیف اسب جهاد می‌دانند، ناسازگار است.

۲-۵- بررسی روایات ناظر بر اسب‌های جهاد در جنگ قبیلۀ کنانه

برخی دیگر از اهل سنت، از طریق کلبی، روایت دیگری در سبب نزول سوره عادیات آورده‌اند که سخن از جنگ قبیلۀ کنانه دارد.

۲-۵-۱- مروری بر محتوای روایت

رسول خدا ﷺ لشکری به سوی قبیلۀ ای از کنانه گسیل داشت و منذر بن عمرو انصاری که یکی از نقباء بود را، سرپرست آنان کرد؛ لشکر به طرف آن قبیلۀ رفتند و بازگشتشان طول کشید. منافقان گفتند همه آنان کشته شدند؛ خدای تعالی سوره عادیات را به عنوان بشارت، نازل کرد.^۱

۲-۲-۵- نقد روایت اسب‌های جنگ کنانه

به نظر می‌رسد این روایت، یا نقل مصداق دیگری برای اوصاف مذکور در سوره عادیات است و یا این‌که همان روایت شیعی است که بنا بر علی (سهوی یا عمدی)، به جای حضرت علی، فرمانده جنگ را منذر، و به جای ذات السلاسل، نام جنگ را کنانه معرفی کرده است.

۳-۵- بررسی روایات ناظر بر اسب‌های جنگ بدر

برخی علمای اهل سنت، روایت دیگری آورده‌اند که سوره عادیات را مرتبط با جنگ بدر می‌دانند. اینک محتوای این روایت و نقد آن خواهد آمد.

۳-۵-۱- مروری بر محتوای روایت

روایتی که عالمان عامه مطرح می‌کنند، از امام علی ع نقل شده است:

عن علي ع: أن المراد بالعدایات الذاهبة إلى العدو، يوم بدر قال: ولم يكن مُعدًّا (معنا) يومئذ إلا فرس واحد، ركبها المقداد.^۲

۱. همان، ۳۲ / ۲۵۸.

۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ / ۱۵۵.

حضرت علی فرموده: و العادیات، یعنی قسم به اسب‌های جهاد در جنگ بدر، و در این جنگ، فقط یک نفر (مقداد) صاحب اسب بود.

مفسران اهل سنت نیز با استناد به این روایت، گفته‌اند: سوره عادیات، در جنگ بدر نازل شده و هدف از سوگندهای این سوره، اکرام مجاهدان است.^۱

۵-۳-۲- نقد روایت «اسب‌های جنگ بدر»

این روایت، که سوره عادیات را به جنگ بدر مرتبط می‌داند، نمی‌تواند قابل قبول باشد؛ زیرا:

اولاً، متن این روایت، با متن روایت اول متعارض است. روایت اول جنگ بدر را به شدت نفی می‌کند و می‌گوید که در این جنگ، دو عدد اسب داشتیم، یکی برای زبیر و یکی برای مقداد؛ اما این روایت جنگ بدر را اثبات می‌کند و سخن از یک اسب که متعلق به مقداد بود، دارد.

ثانیاً، ناسازگاری متن روایت، با محتوای سوره نیز بسیار قابل توجه است. در این حدیث، سخن از یک اسب است؛ اما در سوره، سخن از یک اسب و دو اسب نیست، بلکه همه سوگندهای سوره (عادیات - موریات - مغیرات - فائرن - فوسطن)، با صیغه جمع آمده‌اند؛ از آن جا که آیات وحی، منبع و مرجع ارزیابی صحت احادیث هستند، این روایت، از اعتبار ساقط می‌شود.

۵-۴- بررسی روایت اسب‌های یکی از جنگ‌ها (بدون ذکر نام جنگ)

برخی تفاسیر اهل سنت، در اسباب نزول سوره عادیات، سخن از یک غزوه بی‌نام و نشان دارند.

۵-۴-۱- مروری بر محتوای روایت

أخرج ابن مردويه من وجه آخر عن ابن عباس قال: بعث رسول الله ﷺ سرية إلى العدو فأبطل أخبارها فشق ذلك عليه فأخبره الله خبرهم وما

۱. طبرانی، سلیمان، تفسیر القرآن، ۶ / ۵۴۲.

كان من أمرهم، فقال ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ قال هي الخيل والضبح
نخير الخيل حين تنخر...^۱

این روایت، بدون ذکر نام غزوه و بدون اشاره به نام فرمانده، سبب نزول سوره عادیات را، پیروزی مسلمانان در غزوه‌ای دانسته است که در پی اعزام به آن، مدت مدیدی از حال رزمندگان، خبری نبود؛ پیامبر ﷺ، به شدت نگران شد؛ از این رو خداوند با نزول سوره عادیات، مژده پیروزی آنها را به پیامبر ﷺ داد.

۵-۴-۲. نقد روایت اسب‌های یکی از جنگ‌ها (بدون ذکر نام جنگ)

به نظر می‌رسد که این روایت، همان روایت شیعی است، ولی با حذف جزئیات: حذف نام حضرت علی عليه السلام و حذف نام غزوه ذات السلاسل. با نگاه خوش بینانه، این حذف، عوامل مختلفی هم چون تقیه و ترس از حاکمان جور دارد، که غالباً با نقل فضایل حضرت علی عليه السلام مخالف بودند. با وجود حذف جزئیات، این روایت، مقبول‌ترین روایت اهل سنت است؛ چون تعارضی با قراین حالی، مقالی، سیاق و مفردات سوره ندارد. هم‌چنین با اغلب روایات اهل سنت که سوره عادیات را اجمالاً ناظر به جهاد می‌دانند، هماهنگ است؛ علاوه بر این، با روایت شیعی اسباب نزول این سوره نیز، تعارض ندارد.

۵-۵. راه حل اختلاف، و جمع‌بندی روایات اسباب نزول اهل سنت

چنانچه گذشت، این چهار دسته روایات، به لحاظ متن مضطرب و متعارض اند و اضطراب میان روایات، اعتبار آنها را زیر سؤال می‌برد. اگرچه می‌توان گفت: روایت چهارم، منصفانه‌تر است و محتوای آن، نزدیک به محتوای روایت شیعی است؛ با این تفاوت که نام حضرت علی عليه السلام و نام غزوه ذات السلاسل، به دلیلی مجهول، از متن روایت حذف شده است.

۶- مکی یا مدنی بودن سوره در تفاسیر شیعه و سنی

یکی از مسائل مورد اختلاف در سوره عادیات، این است که این سوره با کدام حادثه

۱. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ۶/ ۳۸۵.

یا جنگ، مرتبط است. کشف حوادث پیرامونی، تا حد زیادی بر فهم بهتریات و نیز بر تعیین مکی یا مدنی بودن سوره، تأثیرگذار است. جهت روشن شدن مطلب، دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت واکاوی می شود.

۶-۱- نظر پژوهشگران شیعه

محققان شیعه در این باب چهار گروه اند؛ معدودی از آنها با اشاره به اضطراب روایات، مکی بودن این سوره را ترجیح داده اند.^۱ برخی از مفسران، به هر دو احتمال مکی یا مدنی بودن سوره عادیات اشاره کرده و هیچ یک از احتمالات را، ترجیح نداده اند.^۲ گروه سوم، احتمال مدنی بودن را ترجیح داده اند اگرچه مکی بودن را هم نفی نکرده اند.^۳ گروه چهارم که بسیاری از مفسران را شامل می شود، بر اساس دلائلی که آورده اند، به هیچ عنوان مکی بودن سوره را حتی در حد احتمال نمی پذیرند؛ ایشان به دلیل مفاهیم موجود در محتوای سوگندها، که سخن از میدان جهاد، اسبان سربازان و یورش مجاهدان دارد، نظریه مدنی بودن سوره عادیات را برگزیده و تأکید کرده اند:

از آن جا که جنگ ها و غزوه های مسلمانان، در مدینه واقع شده و اصولاً مسئله جهاد، بعد از هجرت، در مدینه تشریح شد، تردیدی نیست که سوره عادیات، مدنی است.^۴

روایاتی که از طرق شیعه، از اهل بیت علیهم السلام رسیده نیز، مؤید این نظریه است؛^۵ این

۱. فائز، قاسم و صادقی، عماد، «بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات (با تأکید بر فضای نزول سوره)»، پژوهشنامه ثقلین، ۱/ ۴۵.

۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ۱۰/ ۳۹۵؛ مشهدی، محمد، کنز الدقائق، ۱۴/ ۳۹۷.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱۰/ ۸۰۱؛ حسینی، حسین، تفسیر اثناعشری، ۱۴/ ۳۱۱.

۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۲۰/ ۵۸۸؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۷/ ۲۳۵.

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۴۳۸، با جزئیات بیشتر؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۵۹۱؛ فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی، ۵/ ۳۶۰؛ حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۵/ ۶۵۷؛ بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان، ۵/ ۷۳۲.

روایات، گواه است که این سوره، سال هشتم هجری، درباره حضرت علی علیه السلام، که به غزوه ذات السلاسل رفته بود، نازل شده است.^۱ قرآن پژوهان معاصر، با تخریح و تحلیل سند و متن روایات، در فرایند تاریخ‌گذاری سوره عادیات، تأکید کرده‌اند که نه تنها سوره مدنی است، بلکه در سال‌های آخر هجرت، نازل شده است.^۲

دلیل دیگر بر مدنی بودن این سوره آن است که وقتی این سوره، پس از پیروزی حضرت علی علیه السلام در غزوه ذات السلاسل نازل شد، پیامبر آن را در نماز صبح خواند و مسلمانان با شنیدن آن به وجد آمدند و گفتند که این سوره را تا به حال نشنیده بودیم.^۳ این خبر نشانگر آن است که مسلمانان، سوره عادیات را برای اولین بار، در نماز صبح پیغمبر شنیدند و چون نماز صبح، در مدینه تشریح شد، پس سوره عادیات، مدنی است.

۲-۶- نظر پژوهشگران سنی

برخی مفسران اهل سنت، مکی بودن سوره عادیات را پذیرفته‌اند؛^۴ برخی نیز، هردو احتمال مکی یا مدنی بودن را، بدون ترجیح یکی از طرفین نقل کرده‌اند.^۵

اما گروهی از مفسران اهل سنت، مدنی بودن سوره عادیات را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند. آنها به صراحت، علت مدنی بودن را روایاتی دانسته‌اند که سبب نزول سوره را، ناظر به جهاد ذکر کرده است؛^۶ یا با ذکر این دلیل، که سوره، ناظر بر جنگ بدر (سال دوم هجرت) است، محتوای سوره را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که با مدنی بودن، سازگار است. طبرانی پس از نقل حدیثی که سوره عادیات را مرتبط با

۱. طباطبایی، محمدحسین، همان، ۲۰/ ۳۴۵.

۲. اقبال، ابراهیم و جدی، حسین، «تاریخ‌گذاری سوره عادیات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۲۷/ ۷۲.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۲/ ۴۳۹.

۴. زمخشری، محمود، کشف، ۴/ ۷۸۶؛ قطب، سید، فی ظلال القرآن، ۶/ ۳۹۵۷.

۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰/ ۱۵۳۷؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۵/ ۴۴۱؛ ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر والتنویح، ۳۰/ ۴۴۰.

۶. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۳۲/ ۲۵۹.

جنگ بدر دانسته و نیز با تأمل در اسلوب و سیاق سوره، اشاره کرده که مضمون سوره عادیات، مرتبط با جهاد بوده و جهت اکرام مجاهدان بدر، نازل شده است.^۱

۳-۶- جمع بندی نظرات

اگرچه از مؤیدات مکی بودن سوره، می توان به برخی مطالب محتوای سوره عادیات مانند: کوتاهی آیات، کوتاهی سوره، سوگندهای فراوان و اشاره سوره به اصل اعتقادی معاد اشاره کرد، اما این مؤیدات، در مقابل ادله ای که مدنی بودن را تقویت می کنند، ضعیف به نظر می رسند.

الفاظ و مضمون سوگندهای این سوره، تناسب زیادی با مسائل جهاد دارد. علاوه بر این، روایاتی هست که نزول این سوره را مرتبط با جنگ ذات السلاسل، گزارش کرده است. این شواهد، مدنی بودن سوره را تأیید می کنند. حال اگر سوگندهای سوره را ناظر به مراسم حاجیان بدانیم، باز هم تناسب با مدینه دارد؛ زیرا فریضه حج نیز، در مدینه تشریح شد.^۲

مهم تر آن که علاوه بر روایت شیعه، محتوای چهار روایت اهل سنت که در بحث اسباب نزول مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، همگی حکایت از مدنی بودن سوره عادیات دارند.

۷- شواهد تاریخی نزول سوره عادیات در جنگ ذات السلاسل و ارتباط آن

با حضرت علی علیه السلام

منابع تاریخی، غزوه ذات السلاسل را در جنگ های سال هشتم هجری، ثبت کرده اند. این غزوه با حوادث مهم، شورانگیز و چندمرحله ای همراه بوده که مورخان شیعه، گزارش مفصل آن را آورده اند.

گفتنی است با این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً در نبرد ذات السلاسل حضور

۱. طبرانی، سلیمان، تفسیر القرآن، ۵۴۲/۶.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۳۶/۲۷.

نداشته، به جهت اهمیت آن، به «غزوه» مشهور شده است.^۱ ابن سعد، از آن با نام سریه (سریة عمرو بن العاص الی ذات السلاسل) یاد کرده است.^۲

همان‌گونه که در مبحث اسباب نزول اشاره شد، پیامبر اکرم، مسلمانان را ابتدا به سرکردگی ابوبکر، سپس به فرماندهی عُمَرُ به جنگ با مشرکان قسم خورده سرزمین «یابس» فرستاد؛ این دو فرمانده، یکی پس از دیگری عقب‌نشینی کردند.^۳ در این هنگام، عمرو عاص از پیامبر تقاضای رهبری کرد، ولی او نیز به سرنوشت فرماندهان گذشته گرفتار شد و با شکست بازگشت.^۴ در آخرین مرحله، پیامبر پرچم را به دست حضرت علی (علیه السلام) داد و با یک جمله، پیروزی او را در این جنگ پیشگویی کرد: «أَرْسَلْتُهُ كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ». حضرت علی (علیه السلام) نیز طبق اصول نظامی و برای ردگم کردن، با تغییر مسیر، دشمن را غافلگیر کرد و آنها را از پای درآورد؛ بسیاری از مشرکان گریختند و غنائم زیادی برجای گذاشتند.^۵ مفسران شیعه، این رویداد را به تفصیل آورده‌اند.^۶

ولی تاریخ‌نویسان اهل سنت، این غزوه را به گونه‌ای دیگر نقل کرده و فرمانده ذات السلاسل را عمرو عاص معرفی کرده‌اند:

وقتی پیامبر مطلع شد گروهی از سرزمین «بلی» و «قضاعه»، قصد هجوم به مدینه و کشتن وی را دارند، عمرو عاص را فراخواند و پرچم سیاهی به دست وی داد و همراه سیصد سرباز مسلمان، به جنگ ذات السلاسل فرستاد...؛ عمرو عاص به هر نقطه سرزمین دشمن که

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل، ۲/ ۲۳۲؛ عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ۲/ ۶۲۳.

۲. ابن سعد، محمد، طبقات الکبیر، ۲/ ۹۹.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۲۰/ ۲۲۱.

۴. حسینی، حسین، تفسیر اثنا عشری، ۱۴/ ۳۱۲؛ سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، ص ۷۸۲.

۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ۱/ ۱۶۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۵۰۴؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۱/ ۲۰۳ و ۲۳۱؛ حلی، حسن بن یوسف، المستجد، ص ۱۰۳؛ سبحانی، جعفر، همان، ص ۷۷۹-۷۸۴.

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۴۳۸؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۵۹۱-۵۹۲.

وارد می‌شد، می‌دید که دشمن قبلاً گریخته است. مسلمانان چند روزی آن‌جا ماندند، اما از حضور دشمنان خبری نشد؛ لذا بدون غنائم، بازگشتند...^۱

در تحلیل علت این دوگانگی و اختلاف در اخبار شیعه و سنی، احتمالاتی مطرح شده است. عده‌ای احتمال داده‌اند که چندین غزوه با عنوان ذات السلاسل، در تاریخ بوده است؛^۲ عده‌ای دیگر احتمال داده‌اند که ذات السلاسل، نام دو غزوه باشد که هر گروه از راویان، به نقل یکی از آن دو غزوه پرداخته و به عللی، از نقل غزوه دیگر، سرباز زده‌اند.^۳ هیچ‌یک از این افراد، دلیل علمی برای احتمالات مذکور، ارائه نداده‌اند. علاوه بر این، میان فریقین، هیچ منبع تاریخی‌ای یافت نشد که هم‌زمان، دو یا چند جنگ با این نام (ذات السلاسل)، تکرار کرده باشد.

از این‌رو نگارندگان مقاله حاضر پس از بررسی تطبیقی نقل‌های مختلف فریقین، به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالات مذکور، بعید به نظر می‌رسد و حقیقت مطلب، چیز دیگری است؛ در واقع باید گفت که میان این نقل‌ها، تباین یا تعارض چندانی نیست؛ به اصطلاح، این تعارض، مستقر نبوده و یک تعارض ظاهری و بدوی است. راه علاج این دوگانگی آن است که بگوییم هر دو منبع، یک حادثه را گزارش کرده‌اند، اما یکی به شرح کامل این ماجرای چند مرحله‌ای پرداخته و دیگری، شرح ماجرا را به طور ناقص آورده است. به عبارت دیگر، گروهی از مورخان، بنا به عللی (سهوی یا عمدی)، اخبار تاریخی را تقطیع کرده و از نقل سکانس پایانی داستان و مهم‌ترین قسمت آن، یعنی پیروزی به فرماندهی حضرت علی ع و نزول سوره عادیات در توصیف اسب‌های مجاهدان این غزوه، پرهیز کرده‌اند.

نویسنده کتاب «الصحيح من سيرة النبي» نیز با نقل منابع اصیل تاریخی، بحث

۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ۲/ ۷۶۹-۷۷۳؛ ابن‌شبهه، عمر، تاریخ المدینة، ۱/ ۳۰۱؛ ابن‌سعد، محمد، طبقات الکبیر، ۲/ ۱۳۱؛ ابن‌حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری، ۸/ ۶۹؛ صالحی شامی، محمد، سبل الهدی، ۶/ ۱۷۶.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، همان.

۳. سبحانی، جعفر، همان، ص ۷۸۵.

مفصل خود را در شرح و تحلیل این غزوه، با این سخن آغاز می‌کند که منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت، تصویر مبهم و ناقصی از واقعه که مربوط به عمروعاص بوده است را ارائه داده‌اند.^۱ سید جعفر مرتضی در ادامه، به بیان تناقض و اختلاف اخبار فریقین می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که تاریخ‌نویسان اهل سنت، به هر دلیلی، سعی در پنهان کردن امری دارند.^۲ ولی روایات شیعی - با وجود تفاوت‌های ناچیزی که قابل حل است - در این باره اجماع دارند؛^۳ سید جعفر مرتضی افزوده است:

در منابع اهل سنت، فضیلتی از فضایل امیرالمؤمنین پنهان شده و اخبار آنها ابتر و تحریف شده است.^۴

وی در پایان، شرح کامل روایت را از تفسیر قمی نقل می‌کند که سوره عادیات، در شأن امیرالمؤمنین و درباره غزوه ذات السلاسل نازل شده است.^۵

چنانچه ذکر شد روایات شیعی با تفاوت‌های ناچیزی که قابل اغماض است، به شرح مفصل جزئیات این غزوه پرداخته و فضیلت حضرت علی علیه السلام را بر دیگران، ثابت کرده‌اند؛ برخلاف اهل سنت که تنها به بخشی از غزوه، که مربوط به فرماندهی عمروعاص بوده است، پرداخته‌اند و از ذکر ارتباط ذات السلاسل با حضرت علی علیه السلام، امتناع ورزیده‌اند. اگرچه از نظر منابع شیعی، عمروعاص نیز در یکی از مراحل غزوه ذات السلاسل، فرمانده بوده است، اما نه تنها پیروز نشد، بلکه شکست خورد و منجر به عقب‌نشینی مسلمانان شد.

۱. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم*، ۱۶۰/۲۰-۱۷۰، به نقل از: صالحی شامی، محمد، *سبل الهدی*، ۱۶۷/۶؛ واقدی، محمد بن عمر، همان، ۲/۷۷۰؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، همان، ۸/۷۴؛ ابن سعد، محمد، همان؛ ابن شیهه، عمر، همان.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۱۵۹/۲۰ - ۱۹۶.

۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر*، ۵۹۱/۱-۵۹۲؛ طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، ص ۴۰۷؛ مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد*، ۱/۱۶۴-۱۶۵؛ اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، ۱/۲۰۳ - ۲۳۱؛ حلی، حسن بن یوسف، *المستجد*، ص ۱۰۳.

۴. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۲۰/۲۰۱.

۵. همان، ۲۰/۲۶۲-۲۸۰، به نقل از قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر*، ۲/۴۳۸.

۸- ارتباط جمله بی نظیر پیامبر در مورد حضرت علی علیه السلام، با جنگ ذات

السلاسل

واقعۀ شکست فرستادگان سه گانه و پیروزی حضرت علی علیه السلام، در عنوان پیشین گذشت. جزئیات ماجرای پس از جنگ، این گونه گزارش شده است:

تَرَجَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَرَسِهِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اِرْكَبْ فَإِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ رَاضِيَانِ عَنْكَ، فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَحًا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ لَوْلَا أَنَّنِي أُشْفِقُ أَنْ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا الثَّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ^۱.

[در پایان، پس از پیروزی چشمگیر حضرت علی علیه السلام و بازگشت دلاوران به مدینه، پیامبر اکرم و همراهان به استقبال حضرت علی و یارانش رفتند.] حضرت علی، به احترام پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اسب پیاده شد؛ پیامبر فرمود: سوار شو که خدا و رسولش از تو خوشنودند؛ در این هنگام، حضرت علی علیه السلام از شادمانی گریست. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک جمله عجیب و تاریخی [این جمله را پیامبر در چند جا و چند زمان، مکرر بیان کرده است]، به علی علیه السلام فرمود: ای علی! اگر نگران نبودم از این که مسلمانان [مانند مسیحیان که عیسی را خدا پنداشتند، تورا خدا پندارند] درباره ات به انحراف اعتقادی دچار شوند، امروز درباره تو سخنی می گفتم که هر جا گذرمی کردی، مردم خاک زیر پاهایت را برای تبرک برمی داشتند.

اهل سنت نیز این جمله بی نظیر را نقل کرده اند، با این تفاوت که حدیث اهل سنت، در شرح فتح خیبر آمده و ذیل آن، جمله ای اضافه دارد:

عن أمير المؤمنين علي عليه السلام قال لي رسول الله يوم فتح خیبر بقدره الله: لولا أن تقول فيك طوائف من أمتي... إلا أخذوا من تراب رجلك وفضل ظهورك يستشفون به ولكن حسبتك أن تكون مني^۲.

۱. مفید، محمد بن محمد، همان، ۱/ ۱۶۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۴۰/ ۸۱.

۲. قندوزی، سلیمان، ینابیع المودة، ص ۱۳۰.

اگر فضایل تو را می‌گفتم، مردم، خاک زیر پاهایت را و باقیمانده آب وضویت را برای شفا برمی‌داشتند، اما به این سخن اکتفا می‌کنم که توازن هستی.

ظاهراً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این تمجید شگفت را در مواضع مختلف، به حضرت علی علیه السلام فرموده و بارها تکرار کرده است؛ یکی از این مواضع، جنگ ذات السلاسل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

- تفاسیر شیعه و اهل سنت، درباره سبب نزول سوره مبارکه عادیات، مکی یا مدنی بودن آن و مفهوم‌شناسی واژه «عادیات»، اختلاف نظر دارند.
- گروهی از مفسران، مصداق «عادیات» را شترهای دونده حاجیان در مراسم حج، گروهی اسب‌های معمولی، گروهی اسب جنگی معهود در زمان جاهلیت و گروهی نیز اسب‌های جهادی خاص می‌دانند؛ این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نظریه آخر، تأیید شد.
- با نگاهی به سوره عادیات و سیاق آن، شتر، مصداق مناسبی برای عادیات نیست؛ چراکه اولاً، با کلمه «ضبحاً» که عموم لغت‌شناسان آن را مخصوص نفس‌نفس زدن اسب دانسته‌اند، ناسازگار است. ثانیاً، با «موریات قدحاً» که جرقه زدن در اثر برخورد سریع نعل اسب با زمین است، تعارض دارد؛ زیرا شتر شرم نرم دارد و حتی هنگام تنددویدن نیز، جرقه به وجود نمی‌آورد.
- مصداق اسب معمولی نیز برای کلمه «عادیات»، وجهی ندارد. به ویژه که با روایات و تفاسیر فریقین، در تعارض است.
- مصداق اسب جنگی نیز بدون تصریح به جهاد مورد نظر، سودی ندارد و با روایات هم، در تضاد است؛ زیرا هم روایات شیعه و هم روایات عامه، به جهاد ویژه‌ای اشاره دارند. بر اساس اصول و قواعد تفسیر، مبانی لغت‌شناسی و تأمل در سیاق سوره، از چهار احتمال مطرح شده برای واژه عادیات، تنها معنای «اسب‌های جهادی خاص» می‌تواند صحیح باشد.
- در روایات شیعی آمده است که سوره عادیات، در پی رشادت‌های

امیرالمؤمنین علیه السلام در غزوه ذات السلاسل، بررسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ آن جا که خطر بزرگی پیامبر را تهدید می کرد و هیچ یک از صحابه، کاری از پیش نبردند.

- پژوهش حاضر، با مطالعه روایات مختلف اهل سنت، که در چهار گروه دسته بندی می شوند، به این نتیجه رسید که این روایات، به لحاظ متن، مضطرب اند؛ لذا صحتشان مورد تردید است. اگرچه یکی از این روایات، منصفانه تر بوده و تنها مشکل آن، حذف نام حضرت علی علیه السلام و حذف نام غزوه ذات السلاسل است.

- در خصوص مکی یا مدنی بودن سوره عادیات باید گفت: اگرچه کوتاه بودن مقاطع آیات، تکیه بر سوگندها و هم چنین تکیه بر مسئله معاد، قرائنی است که مکی بودن سوره را تأیید می کند، اما مضمون سوگندهای این سوره که ترسیم صحنه جهاد است و هم چنین روایاتی که می گوید این سوره در پی جهادی خاص نازل شده است، گواه بر مدنی بودن آن است. عالمان اهل سنت حتی اگر سوگندهای سوره را ناظر به حرکت شترهای حجاج به سوی منی و مشعر بدانند نیز، تناسب با مدنی بودن سوره دارد؛ زیرا حج و جهاد، هر دو در مدینه و پس از هجرت، تشریح شدند.

- عایشه بنت الشاطی بی آن که سخن از حضرت علی علیه السلام و روایات اسباب نزول به میان آورده باشد، تفسیر ادبی - بیانی خاصی درباره سوگندهای سوره ارائه کرده و گفته است: جو سوره، توصیف صحنه پرهیجان یک هجوم ناگهانی است که بامدادان، دشمن را غافلگیر می کند؛ لذا با فراز پایانی سوره که بیانگر غافلگیر شدن انسان در روز رستاخیز است، تناسب بیانی دارد. این تفسیر بیانی، با دیدگاه تفاسیر شیعه هماهنگ است.

- منابع تاریخی شیعه، گزارش مفصلی از غزوه ذات السلاسل نقل کرده اند که همخوان با روایات تفسیری و اسباب نزول شیعی است؛ اما منابع تاریخی اهل سنت، تنها بخشی از این غزوه را آورده و از نقل بخش پایانی واقعه، یعنی پیروزی نهایی به فرماندهی حضرت علی علیه السلام و نزول سوره عادیات، سر باز زده اند.

کتابها

قرآن کریم

- ألوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، چاپ اول: انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
- ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب، فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينة، دار الفكر، دمشق، ۱۴۰۸ ق.
- ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير والتنوير، مؤسسة التاريخ العربي، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ هشتم: أدب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ ق.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، چاپ اول: بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان في تفسير القرآن، چاپ اول: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، قم، ۱۴۱۴ ق.
- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، التفسير البياني للقرآن الكريم، چاپ هفتم: دار المعارف، قاهره.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان في تفسير القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، آل البيت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول: انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ اول: لطفی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- حلی، حسن بن مطهر، المستجد من الارشاد، ۱۴۰۶ ق.
- حنبلی دمشقی، سراج الدین، اللباب في علوم الكتاب، دار الكتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم: اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في الفاظ القرآن، دار الشامیة، بیروت.
- زرعی، عبدالرحمن بن عمرو، تاریخ أبي زرعة الدمشقی، ۱۴۱۷ ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان في علوم القرآن، دار الكتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

- زرکشی، ابو عبدالله بدرالدین، البرهان في علوم القرآن، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الفکر، بیروت.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم: دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، چاپ ۲۷: بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۳ ق.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم: شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول: دار الکتب الثقافی، اردن، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۹ ش.
- طیب حسینی، سید محمود، «مدخل ذات السلاسل»، دایرة المعارف قرآنی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ ش.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم، دار الهادی، قم، ۱۴۲۶ ق.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چاپ سوم: دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دار الهجرة، قم.
- فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، چاپ دوم: مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، چاپ ۳۵: بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم: قم، ۱۴۰۴ ق.

- فندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، دار الکتب العراقیة، قم، ۱۲۹۴ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، تهران، ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- مشهدی قمی، میرزا محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة التشریح الإسلامي، قم، ۱۴۱۵ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول: دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۳۸۹ ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
- نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- واقدی، محمد بن عمر بن الواقد، المغازی، دار المعرفة الاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

مقالات

- اقبال، ابراهیم و جدی، حسین، «تاریخ‌گذاری سوره عادیات»، فصلنامه مطالعات قرآنی (دانشگاه آزاد جیرفت)، ش ۲۷، ۱۳۹۵ ش.
- خاکپور، حسین و عباسی، الهام، «واکاوی دیدگاه آلوسی در نقد روایت امام علی (علیه السلام) پیرامون سبب نزول سوره "والعادیات"»، دوفصلنامه قرآن پژوهی حسنا، ش ۳۲، ۱۳۹۶ ش.
- سلیمی زارع، مصطفی، «روایات علی بن حمزه بطائنی، بین ردّ و قبول»، مجله علوم قرآن و حدیث، ش ۸۱، زمستان ۱۳۸۷.
- فائز، قاسم و صادقی، عماد، «بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات (با تأکید بر فضای نزول سوره)»، پژوهشنامه ثقلین، دوره دوم، ش ۱، بهار ۱۳۹۴.

دراسة تطبيقية لميزان علاقة سورة العاديات بأمر المؤمنين عليه السلام في مصادر الفريقين

طاهره سادات طباطبائي أمين^١

زهرة أخوان مقدم^٢

فريبا شهيدي فر^٣

الخلاصة:

تعتبر أسباب نزول سورة العاديات، ومصداق عاديّات الخاص، والنقولات التاريخية المرتبطة بذلك من المسائل الخلافية التي لها ارتباط تام بفهم النص الإلهي وكذلك فضيلة أمير المؤمنين؛ لذلك فإن أهمية الغور والتأمل فيها واضحة.

هذه الدراسة تروم - من خلال القراءة التحليلية - التطبيقية - لمصادر الفريقين للإجابة عن هذه الأسئلة، وهي: أولاً ما هي النظرية الصحيحة لتعيين مصداق العاديات، وثانياً ما هو وجه الجمع بين الروايات المختلفة والمتعارضة في بيان أسباب نزول هذه السورة؟

لقد طرح المفسرون أربع احتمالات في بيان مصداق كلمة العاديات: إبل الحجاج؛ الفرس بنحو عام؛ الفرس الحربي؛ الفرس في جهاد خاص. تبين نتائج هذا التحقيق أنّ النظرية الرابعة توافق سياق الآيات وتفسرها البلاغي - البياني، وتوافق أصول الأدب واللغة في كلمة "ضح" و "قدح"، وتوافق روايات أسباب النزول.

١. أستاذ مساعد وعضو الهيئة العلمية في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، طهران.

Tabatabai.amin@gmail.com

٢. أستاذ مساعد وعضو الهيئة العلمية في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، طهران.

Dr.zo.akhavan@gmail.com

٣. عضو الهيئة العلمية في جامعة رفاه، طهران، ماجستير علوم القرآن والحديث.

Fa.shahidi@yahoo.com

لقد نزلت سورة العاديات في المدينة المنورة إثر جهاد المسلمين بقيادة أمير المؤمنين عليه السلام وانتصاره في غزوة ذات السلاسل في السنة الثامنة للهجرة. ولكن لموجود خطر أهدق بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم قبل نزول السورة، وثلاث من الصحابة لم يستطيعوا ردع الأعداء عدّ بعضهم هذه السورة مكيّة لتغطية بعض الحقائق وإخفائها.

وعلى هذا الأساس فإنّ يتضح ضرورة دراسة جميع الروايات في مصادر الفريقين، وهذه الدراسة تبين وجوه الشك والترديد في مرويات أهل السنة لوجود الاضطراب والتعارض الكثيرين ونقصان المصادر التاريخية في شرح غزوة ذات السلاسل، وهذه المنقولات التاريخية تتعرض لبعض الوقائع، ومع حذف ما يرتبط بأمر المؤمنين عليه السلام وقيادته، ينسبون ذلك إلى عمرو بن العاص في قسم من وقائع الغزوة.

المفردات الأساسية: القرآن، سورة العاديات، المكي والمدني، ذات السلاسل، أسباب النزول، الإمام علي عليه السلام، تاريخ الإسلام.

that, as for the meaning of the term “Adiyat” the commentators have presented four probabilities: Hajjis’ camels, horses in general, army horse, and horses in a special jihad. The fourth theory is consistent with both atmosphere and context, and rhetorical and statement interpretation of the Sura, and as well as with the literary principles and terminology of the words “Dhabihah” and “Ghadah”, as well as with the narratives behind surrendering of this Sura. The surah al- Adiyat has been surrendered in Medina after the Muslim’s Jihad, led by Imam Ali (AS) and their victory in the Ghazw of “Zatol-Salasel”. Since before the surrendering of the Sura, something important was threatening the Prophet (PBUH), and three of the Sahabah did not succeed in delivering the necessary results in defeating the enemies, this is considered to be a Meccan sura so keep some certain truth hidden. The narratives behind surrendering of this Sura in Sunni sources have been questioned due to the many anxieties and conflicts and lack of harmony with the words and atmosphere of the surah, and the shortcomings of their historical sources have been explained in the description of the “Ghazw of Zatol-Salasel.” By deleting the parts related to the command of Imam Ali (as), they associate it with ‘Amr ibn al-’As who plays a smart part in what happens in this war.

Keywords: Quran, Surah Al-Adiyat, Meccan Verses, Medinan Verses, Ghazw of Zatol-Salasel, Imam Ali (AS), the Shiite and the Sunni.

Comparative study of the Degree of Relationship between Surah Al-Adiyat and Amir al-Momenin (PBUH) in Shiite and Sunni Resources

Tahereh Sadat Tabatabai Amin¹

Zohreh Akhavan Moqadam²

Fariba Shahidifar³

۱۹۰

Abstract

Abstract

The correct interpretation of the Surah “Al-Adiyat” proves one of the virtues of Amir al-Momenin (AS). The present research tries to resolve the interpretive differences of the Surah “Al-Adiyat”. To this end, according to the interpretations and other sources of the Shiite and the Sunni who reported this incident, we studied the words and resolved the narratives’ conflict regarding the cause behind surrendering of this Sura. Using a descriptive-analytical method, this paper performs a comparative study of the interpretations of the Shiite and the Sunni to examine the perspectives on the use of the term “Adiyat” and to seek solutions to the conflict between the narratives of the Sunni people in the context of the cause behind surrendering of the Surah Al-Adiyat, and the elimination of the difference in historical sources of the Shiite and the Sunni in explaining “Ghazw of Zatul-Salasel”. The results show

1. Assistant Professor and Associate Professor of the Holy Quran University of Science and Education, Tehran tabatabaei.amin@gmail.com

2. Assistant Professor and Associate Professor of the Holy Quran University of Science and Education, Tehran dr.zo.akhavan@gmail.com

3. Faculty Member of Rafah University of Tehran, Master of Science in Quran Sciences and Hadith, Fa.shahidi@yahoo.com